

نبرد برای آزادی زنان

دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه

«صدف خادم یک زن آزاد است که برای آزادی زنان نبرد می کند»

موفقیتیم را مدیون مهیار منشی پور هستیم. تعلیمات اوست که مرا به اینجا رسانیده است.



صدف خادم و مربی اش مهیار منشی پور

اما زندگی منشی پور خود داستان دیگری است. مهیار ده سال و نیمه بود که پدرش او را به فرانسه فرستاد؛ چگونه پدری حاضر می شود جگر گوشه خود را از خویش جدا ساخته و در سن ده یازده سالگی او را به دیار دور بفرستند؟! «مهیار میگوید در ایران زندگی کودکان ارزشی نداشت و تمام روز آنها مغزشویی می شدند.

صبحها در مدرسه در ساعات معین می بایست در صف می ایستادیم و مرگ بر آمریکا یا انگلستان و این و آن می گفتیم. کودکان را در جنگ برای خنثی کردن مین ها به جلو می فرستادند و آنان که داوطلبانه نمی رفتند را در خیابان ها جمع می کردند و به جبهه می فرستادند.

هنگامی که مهیار نزد عمه اش به فرانسه می آید، یک انسان واقعی یا فرشته ای بصورت یک زن مسئول یاد

دادن زبان فرانسه به او می شود. او که یک کلام فرانسه نمدانسته امروز نه تنها زبان فرانسه را بدون لهجه صحبت می کند بلکه کتاب او بنام «نبرد برای فرانسوی شدن» یکی از



من تابحال که به این سن رسیده ام هرگز یک مسابقه بوکس بازی را بطور زنده ندیده بودم. هفته قبل مقاله ای در باره یک دختر بوکس باز زیبای ایرانی بنام «صدف خادم» خواندم و براستی احساساتی شدم و گفتم هر طور هست من برای مسابقه ای که بین او و رقیب فرانسوی اش در شهر ویل نولوبه در ۳۰ کیلومتری شهر نیس اجرا می شود خواهیم رفت؛ و همین کار را همراه با اعضای خانواده انجام دادیم.

شبی فراموش نشدنی و افتخارآمیز، شادی آفرین و در عین حال تأثیربرانگیز بود. این دوشیزه ۲۴ ساله، مهیار منشی پور را در ایران می بیند (منشی پور شش بار قهرمان جهان در مسابقات بوکس بوده است). با او تماس می گیرد و برای بهره بردن از آموزش او به فرانسه می آید. مدتی نمی گذرد که در اولین مسابقه، مقام اول را احراز میکند و اخیراً مهمان رسمی شهرداری ویل نولوبه Villeneuve-Loubet بود و شهردار، آقای لیونل لوکا Lionnel Luca مدال شهر را به او هدیه داد.

دیشب مسابقه رسمی بین صدف و رقیبش بود و در مدت کمتر از پنج دقیقه او را شکست داد و بلافاصله او را در بغل گرفت تا محبت ورزشکارانه اش را به او نشان دهد.



Lionnel Luca Maire de Villeneuve-Loubet
شهردار ویل نولوبه «لیونل لوکا»

آقای شهردار در معرفی صدف سخن بسیار گفت که من زیباترین آنرا به خوانندگان عزیز پیام تقدیم می کنم: او گفت: «صدف خادم یک زن آزاد است که برای آزادی زنان نبرد میکند و ما افتخار می کنیم که امشب نزد ما است تا شهروندان عزیزمان از وجودش بهره مند شوند».

پس از مسابقه نزد صدف رفتم و به او گفتم چقدر بعنوان یک ایرانی بخود می بالم و افتخار می کنم. صدف با فروتنی و لبخند زیبایش می گوید: من تمام

کتاب‌های پرفروش در فرانسه شد. هنگامی که در سال ۱۹۹۶ به ایران باز گشت و میل داشت بعنوان ورزشکار ایرانی در بازی‌های المپیک شرکت کند، به بهانه‌های مختلف از جمله اینکه خدمت سربازی نکرده است با این درخواست موافقت نمی‌شود. مهیار بار دیگر به فرانسه بازمیگردد و در مسابقات حرفه‌ای شش سال پشت هم قهرمان جهانی میشود. او ۱۱ سال است که با همسر فرانسوی‌اش زندگی آرامی را با خوشبختی می‌گذراند.

در حالی که صدف خادم اعتراف می‌کند بدون مهیار منشی‌پور هرگز به این مقام نمی‌رسید، منشی‌پور پس از پیروزی صدف خود را کنار میکشد تا نور پیروزی فقط بروی صدف بتابد و فریادهای آفرین... آفرین و کف زدن‌های صدها تماشاچی فقط نصیب صدف شود. او میگوید من شخصاً بوکس را که یک بازی خشن است برای زنان دوست ندارم ولی اگر زنی خودش میل به این ورزش دارد چرا که نه؟! او آزاد است تا مانند یک مرد ورزش مطابق میلش را انتخاب کند.

مهیار منشی‌پور از خاطرات کودکی غمی به دل دارد که پیداست تا ابد او را رنج خواهد داد. او میگوید: رژیم ایران درست شبیه به رژیم نازی‌های آلمان و مغزشویی‌های فاشیست ژاپن در دوران گذشته است. بیاد می‌آورد که بعضی از کودکان ناخودآگاه و نادانسته پدران خود را لو میدادند.

میگوید در مدرسه از حرام بودن مشروبات الکلی به ما می‌گفتند و کودکی پا میشد می‌گفت ولی پدر من مشروب می‌خورد! و یا دیگری به آموزگاری که از ممنوع بودن ورق بازی سخن میگفت، بی‌گناهاانه اعتراف میکرد که پدرش در منزل ورق بازی می‌کند.

مهیار منشی‌پور به سادگی می‌گوید که هنگامی که شروع به یاد گرفتن بوکس کرد برای درآوردن مخارج زندگی در همان شهر رویان Royan که برای اولین بار قهرمان بوکس شد، دستشویی و توالت می‌شست و کارهای دیگر از این قبیل و برای رسیدن به آنجا از منزل ۱۳ کیلومتر را یا پیاده و یا اگر شانس داشت با دوچرخه طی میکرد. و او در همین شهر در سن ۱۸ سالگی رقیب خود را فقط در یک دقیقه و نیم برای اولین بار شکست داد. شکستی که آغاز پیروزی‌های بیشترش در این رشته بود. وی تاکنون شش بار قهرمان جهانی بوکس بوده است.

آخرین سفر او به ایران در سال ۱۹۹۶ بود و دیدار پس از ۲۵ سال با مادرش که فکر میکرد فرزندش او را به فراموشی سپرده است... و این خود نیز داستان غم‌انگیز دیگر است.

نیس - ۱۰ ژوئن ۲۰۱۹